

اساسی ترین خواسته های قرآن از مخاطبانش بر مبنای شمارش افعال امر قرآن – بخش دوم

فقط خداوند را خدمت کنید.

برای من که قرار بود افعال امر قرآن را بشمارم، ذکر ساده اینکه خداوند را خدمت کنید، بسیار ناقص و به نوعی خالی از امانت داری بود. ظاهراً دعوت قرآن بیشتر از آنکه عبادت خداوند باشد؛ عبادت "فقط" خداوند است. در اکثریت مطلق زمان هایی که دعوت به عبادت خداوند می شود یا ذکر یا عبادت خداوند می شود، قید یا توصیفی وجود دارد که عبادت را فقط در حالت عبادت انحصاری خداوند مطلوب می داند (این قید ها یا توصیفات در فایل پیوست با هایلایت خاکستری کمرنگ نشان داده شده اند).

ظاهراً اصل ریشه عبد در زبان های سامی، حول معنای محوری "کار کردن" بوده است. به نظر می آید که در ادبیات عربی و قرآنی، خصوصاً وقتی که در مورد خداوند به کار گرفته می شود، با نوعی مفهوم نرمی و روانی و محبت آمیخته شده است و در نهایت بعد از یک توسعه در معنا، حاوی مضمون پرستش و اطاعت نیز شده است. بنابراین، برای اینکه این مفاهیم را در ترجمه وارد کنم، ترجیح دادم که در ترجمه "اعبدوا الله" به جای عبارتی مثل "برای خداوند کار کنید"، عبارت "خداوند را خدمت کنید"، انتخاب کنم. هر چند شاید ترجمه ای مانند "خداوند را بندگی کنید" به نوعی دقیق تر باشد، اما با توجه به کاربرد کمتر آن در مکالمات روزمره امروزه، به نظرم ارتباط با "فقط خداوند را خدمت کنید"، راحت تر است.

در قرآن، ۳۱ بار (بدون در نظر گرفتن آیه ۱۵ زمر) در قالب فعل امر و ۷ بار در قالب نهی (با در نظر گرفتن آیات ۲ هود و ۲۳ اسراء) و در مجموع ۳۸ بار، مخاطبین عام خود را دعوت به عبادت خداوند کرده است. این غیر از ۶ موردی است که مخاطبان خاص (پیامبران) را دعوت به عبادت کرده است. این ۳۸ بار، باعث شده که بر مبنای مدل مطرح شده در مقدمه این نوشتار، رتبه **دوم** اصلی ترین خواسته قرآن از مخاطبانش، اختصاص به عبادت موحدانه خداوند داشته باشد. یادمان باشد که بر مبنای آن مدل، رتبه نخست با ۷۶ بار دعوت مخاطبین عام (و ۱ بار دعوت پیامبر) اختصاص به تقوا داشت. این مقایسه، یادآوری مجددی بر اهمیت تقوا است که تعداد تکرار امر به آن، ۲ برابر نزدیک ترین امر بعدی است.

نمونه هایی از این ۳۸ دعوت به عبادت موحدانه در زیر آمده است:

- وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ۲۵ انبیاء
- ذَلِكَُمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۱۰۲ انعام
- وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَ... ۳۶ نساء
- يٰعِبَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيبِي فَاعْبُدُونِ ۵۶ عنكبوت
- إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ... ۱۴ فصلت

و حداقل در ۵ مورد دیگر که بسیار به سیاق امر و نهی مستقیم نزدیک است، این دعوت تکرار شده:

- وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ۝۵
- ... وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا ۖ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ سُبْحَنَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝۳۱ توبه
- إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ۚ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝۴۰ يوسف
- قُلْ يَٰأَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ ۖ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا... ۝۶۴ آل عمران
- وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ ۖ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ... ۝۸۳ بقره

و حداقل در ۳ جای دیگر با استفهام انکاری این دعوت تکرار شده:

- قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ۗ وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝۷۶ مائده
 - قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ ۝۶۶ انبیاء
 - قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ۝۹۵ ۖ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ۝۹۶ صافات
- علاوه بر این ها، در حدود ۶۰ آیه دیگر در حالت توصیفی و در قالب فعلی، به نوعی در خوبی عبادت

موحدانه خداوند و مذمت انحراف از این مسیر صحبت شده است:

- وَالَّذِينَ أَجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَن يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادَ ۝۱۷ زمر
- وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُم بِهِ عِلْمٌ ۖ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ ۝۷۱ حج
- إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ۝۸۵ أَفَبِكَا ءَالِهَةٍ دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ۝۸۶ صافات
- قُلْ يَٰأَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي شَكٍّ مِّن دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ ۖ وَلَكِنِّي أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَقَّعُكُمْ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝۱۰۴ یونس

در سوره ای که در فرهنگ و تاریخ مسلمانان بیش از هر سوره دیگری خوانده شده است و می شود؛ بعد از حمد خداوندی که پروردگار عالمیان است و ذکر صفات او، اولین باری که به نوعی صحبت از انسان می شود، رویکرد "إِيَّاكَ نَعْبُدُ" مطرح می شود. رویکردی که پیشاپیش، پاسخ به تمنای مدام "أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ" در آیه بعد است. انگار، جواب را قبل از سوال داده است. اگر در جست و جوی صراط مستقیم هستی باید اهل "ایاک نعبد" باشی. پاسخی که در جاهای مختلفی به صراحت آمده است:

- إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۚ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝۵۱ آل عمران
- وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۚ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝۳۶ مریم
- إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۚ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝۶۴ زخرف
- وَأَنَّ أَعْبُدُونِي ۚ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝۶۱ یس

به نظرم، نزدیک ترین مفهوم برای توصیف عبادت، پیمودن یک راه است. عبد بودن، انگار، حرکت در مسیر صراط مستقیم است. راهی که به لطف خداوند و به برکت راهبری مهرآمخته پیامبران و رهپیمایی پیروان آن ها برای ما مشخص شده و برای پیمودن، هموار شده است. چیزی که مانده، اراده ما بر استقامت در این راه است. این مهم، مستلزم از راه به در نشدن، و به بیراهه رفتن است. چرا که چشمک زن های بسیاری، انسان را به انحراف از راه، فرا می خوانند. احتمال خطای عبد و کج شدن آدمی از مسیر، با توجه به ذات انسان، بسیار است. مهم اما، بازگشت سریع است. مهم این است که همواره حریص و مواظب باشیم که به محض کوچکترین انحراف، به راه برگردیم. برای همین ۲ بار در قرآن و البته بیشتر از هر توصیف دیگری برای کلمه "عبد" در حالت مثبتش، بر این مفهوم بازگشت تاکید شده است:

• ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ۙ ۹ سبا

• تَبَصَّرَةٌ وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ۙ ۸ قاف

نشانه ها و یادآوری ها، کمک می کند که عبد منیب به راه بازگردد. این ویژگی ممتازی است که قرآن مکررا در مورد توصیف عباد خاص (پیامبران)، برجسته می کند: ویژگی "بازگشت به مسیر". بسیار حساس به انحراف از مسیر و مترصد بازگشت به مسیر صراط مستقیم در سریعترین حالت ممکن :

• أَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْخُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۙ ۱۷ ص

• وَوَهَبْنَا لِداوُدَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۙ ۳۰ ص

• وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ ۚ وَلَا تَحْنُتْ ۚ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِّعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۙ ۴۴ ص

بهتر است ما اگر به سان پیشقراولان نمونه این طریق، "أَوَّابٌ" نیستیم؛ حداقل "مُنِيبٌ" باشیم.

دعوت به عبادت موحدانه خداوند، چیزی است که از زبان پیامبران مختلف، ورای زمان و مکانی که در آن قرار داشته اند، تکرار شده است. دقیقا دعوت به تقوی نیز اینگونه بود و از زبان پیامبران مختلف تکرار شده بود. انگار که می گوید این ها، اصلی ترین خواسته های تمام پیامبران بوده اند.

• وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ ۚ ۳۶ نحل

اما یک تفاوت جالب این جا وجود دارد که مخاطب اصلی دعوت تقوا "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا" است. انگار که دعوت به تقوا، یک دعوت سطح بالاتری است. مخاطب دعوت تقوا بیشتر کسانی هستند که رهنوردی در این صراط را آغاز کرده اند و انتظار این است که کم کم، اهل تقوا نیز شوند و تقوا کمک می کند حالا که وارد راه شده اند؛ از راه منحرف نشوند. انگار که آدمی با عبادت موحدانه خداوند در مسیر صراط مستقیم قرار می گیرد و با تقوا باید مراقب باشد که از راه به در نشود. در مورد پیامبر اسلام، طنین تکرار دعوت به تقوا، در فضای مدینه بیشتر شده بود. انگار "از راه به در نشدن"، اساسی تر، مهم تر و سخت تر از "به راه آمدن" است. به نظر تقوا، قله ای است که بر ستون هایی بنا شده است و یکی از آن ستون ها، ستون عبادت است. این تقدم و تاخر را می توان در آیه زیر به روشنی یافت:

• يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۙ ۲۱ بقره

تا جایی که می دانم در هیچ آیه دیگری که امر به عبادت شده باشد، به چنین صراحتی هدف از آن را مشخص نکرده است. انگار که دعوت به عبادت موحدانه خداوند، دعوت مقدماتی تر و ماموریت مشترکی است که پیامبران مختلف، ابتدا از آن جا شروع کرده اند و همه آن ها اطرافیان خود را مخاطب قرار داده اند:

- لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَبْقُومُ **اعْبُدُوا اللَّهَ** مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ... ۵۹ اعراف، ۲۳ مومنون
- وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَبْقُومُ **اعْبُدُوا اللَّهَ** مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ... ۶۹ اعراف، ۵۰ هود
- وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَبْقُومُ **اعْبُدُوا اللَّهَ** مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ... ۷۳ اعراف، ۶۱ هود
- وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَبْقُومُ **اعْبُدُوا اللَّهَ** مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ... ۸۵ اعراف، ۸۴ هود
- وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ **اعْبُدُوا اللَّهَ** وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ۱۶ عنكبوت
- ..وَقَالَ الْمَسِيحُ يَبْنَىٰ إِسْرَءِيلَ **اعْبُدُوا اللَّهَ** رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ.. ۷۲ مائده

همانطور که گفتیم، این دعوت به عبادت خداوند، قرین نفی اله گرفتن غیر است. چیزهای زیادی هستند که ممکن است به جای خداوند، در این مقام اله، توسط انسان انتخاب شوند. نمونه هایی از این کاندیداهای احتمالی در آیات قرآن معرفی شده اند. اصنام (۷۴ انعام و ۱۳۸ اعراف)، قدرتمندانی مثل فرعون (۲۹ شعرا و ۳۸ قصص)، خوبانی مثل پیامبران (مائده ۱۱۶) و هوای نفس (فرقان ۴۳ و جاثیه ۲۳) می توانند اله باشند.

اگر می خواهید از عبادت موحدانه خداوند پایین بیایید و در عبادت غیر خداوند غرق شوید، دیگر خیلی مهم نیست که چه یک وجب غرق شوید و چه صد وجب. چه عیسی را بندگی کنید (پیامبر مقرب خداوند که به روایت قرآن، مرده را زنده می کرد) و چه اصنام را و چه هوای نفس تان را و چه مستکبران مستبد طاغی را و چه شیطان را و چه هر چیز دیگر را. اگر از صراط مستقیم عبادت موحدانه خداوند به در می روید، خیلی فرق نمی کند به کجا می روید و در کدام وادی هلاک شوید. تعبیر قرآن در این مورد بسیار تکان دهنده است!

- **فَاعْبُدُوا** مَا شِئْتُمْ مِّنْ دُونِهِ... ۱۵ زمر

این حجم از تاکید، جای تعجب ندارد چرا که در نگاه قرآنی، اصولا داستان خلقت بر مبنای عبادت موحدانه خداوند شکل گرفته است :

- وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ۵۶ ذاریات
- و طبیعتا انحراف از این مسیر به شدت نکوهش می شود:
- أَفِ لَكُمْ وَلَمَّا تَعْبُدُونَ مِّنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۶۷ انبیاء
- و مشخصا در حدود ۲۰ آیه به طور مستقیم از عاقبت سوء تخطی از عبادت موحدانه خداوند در روز قیامت صحبت می کند که نمونه های آن ها در ادامه آمده اند:
- إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِّنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ لَهَا وَارِدُونَ ۹۸ انبیاء
 - أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ أَلِيمٍ ۲۶ هود
 - وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ۱۷ فرقان

چه عواملی احتمال دارند که مانع عبادت موحدانه انسان شوند؟

می توان در قرآن عوامل مختلفی را برای انحراف از عبادت خداوند و به خصوص عبادت موحدانه خداوند برشمرد. با شاخص قرار دادن تعداد تکرار عوامل، به نظرم مهم ترین های این عوامل از این قرار اند:

۱- میراث آباء و اجدادی

به نظر می آید که در روایت قرآن، هیچ عامل دیگری به اندازه پیروی از میراث آباء و اجدادی، باعث انحراف از مسیر عبادت موحدانه خداوند نشده است. به نظرم هیچ چیزی گویا تر از آیات زیر نیست:

- وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ^{۶۵} مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ^{۶۶} أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ^{۶۷} بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ^{۶۸} وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ^{۶۹} ۲۰ تا ۲۳ زخرف
 - ... قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأُنْزِلْنَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ۱۰ ابراهيم
 - قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِينَ ۷۰ اعراف
 - قَالُوا يَصْلِحْ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا ... ۶۲ هود
 - قَالُوا يَشْعَبُ أَصْلَوْكُمْ^{۷۱} تَأْمُرُكُمْ أَنْ تُتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ تَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ ... ۸۷ هود
 - فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْْبُدُونَ^{۷۲} إِلَّا كَمَا يَعْْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ ... ۱۰۹ هود
 - مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ^{۷۳} مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ... ۴۰ يوسف
 - وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُكُمْ^{۷۴} ... ۴۳ سباء
 - قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عِبَادِينَ^{۷۵} ۵۳ انبياء
 - وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ^{۷۶} إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ^{۷۷} مَا تَعْبُدُونَ^{۷۸} قَالُوا أَصْنَا مَا فَنَظَّلُ لَهَا عَكْفِينَ^{۷۹} قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ^{۸۰} ۷۱ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ^{۸۱} أَوْ يُضَرُّونَ^{۸۲} قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ^{۸۳} ۶۹ تا ۷۴ شعرا
- این آیات، باید تلنگر و یک نقشه راهی برای ما باشد و ما خودمان را مصون از بزرگترین آسیبی که قرآن در این راه معرفی می کند، ندانیم. به قول امروزی ها، ما باید یک دید خود انتقادی نسبت به میراث عبادی خود داشته باشیم که از طریق آباء و اجدادمان به ما رسیده و همواره آن را متهم کنیم که نکند از عبادت موحدانه خداوند به انحراف رفته باشد. خودمان و میراث رسیده به ما را مبرا از این انحراف ندانیم و به استثناهایی از قبیل آیه زیر دلخوش نباشیم:
- أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ^{۸۴} مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ آبَائِكَ^{۸۵} إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ^{۸۶} إِلَٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ۱۳۳ بقره

چرا که اینجا نیز، مهم، نه اسم هایی است که خود را به آن ها منتسب می کنیم؛ بلکه محوری است که حول پرستش "اله واحد" و آن هم از طریق سلسله ای از پیامبران، شکل گرفته است. کما اینکه خود قرآن گواهی می دهد بعدا، فرزندان یعقوب در این مسیر دچار انحرافات گسترده ای شده اند. دلخوش به اسامی بزرگانی که آباء و اجداد برایمان بازگو میکنند، نباشیم و بر منش موحدانه حساس باشیم.

۲- تلاش برای جلب منفعت و دفع ضرر با مصداق خاص رزق

دفع ضرر و جلب منفعت، یک ویژگی عمومی دیگر انسان است. پرچم های مختلفی ممکن است ادعای دفع ضرر و جلب منفعت را داشته باشند و با این پرچم ها ما را از صراط مستقیم عبادت موحدانه خداوند به در کنند. باید متوجه باشیم که خداوند مالک حقیقی آسمان ها و زمین است و تنها راه و رسمی که او تعیین کرده است می تواند نفع را به ما برساند و ضرر را از ما دور کند.

- **قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُم ضَرًّا وَلَا نَفْعًا** وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۷۶ مائده
- **قَالَ أَتَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ** ۶۶ انبیاء
- **وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ** وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا ۵۵ فرقان
- **وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ** وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعُونَا عِنْدَ اللَّهِ ... ۱۸ یونس
- **وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ** ۱۱۱ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ **مَا تَعْبُدُونَ** ۱۱۲ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَّلُ لَهَا عَافِيَةً ۱۱۳ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُم إِذْ تَدْعُونَ ۱۱۴ أَوْ يَنْفَعُونَكُم أَوْ يَضُرُّونَ ۱۱۵ ۶۹ تا ۷۳ شعراء

یکی از بزرگترین مصادیق این حوزه نفع و ضرر، "رزق" است. باید حواسمان باشد که رزاق، خداوند

واحد است و طلب رزق ما را به وادی هایی که خداوند نمی پسندد، نکشاند.

- **إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَوْثَنًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ ۚ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ** ۱۷ عنکبوت
- **وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ** ۷۳ نحل
- **اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِّنْ عِبَادِهِ** وَيَقْدِرُ لَهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۶۲ عنکبوت
- **قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِّنْ عِبَادِهِ** وَيَقْدِرُ لَهُ ۚ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ ۚ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ۳۹ سباء
- **إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا** ۳۰ اسراء
- **وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيْكَأَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِّنْ عِبَادِهِ** وَيَقْدِرُ ۚ ... ۸۲ قصص
- **اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ** يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ۱۹ شورا
- **وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِن يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ** ۲۷ شورا

• يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ۱۷۲ بقره

• فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمْ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ۱۱۴ نحل

یادمان باشد که در این مسیر مانند کسانی نباشیم که عبادت خداوند، در حاشیه زندگی آن ها است و با

کوچکترین تلاطمی در زندگی، زیر و زبر می شوند.

• وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ۱۱ حج

۳- خود برتر بینی (استکبار)

دو نکته پیش گفته، به نظر بیشتر ناظر به انحراف از مسیر عبادت موحدانه خداوند بود. با بررسی ریشه

عبد در حالت مصدری (یعنی خود کلمه عبادت)، عامل دیگری جلب توجه می کند که ظاهرا این عامل، بیشتر،

مانع از اصل ورود به این مسیر عبادت خداوند است. یعنی ظاهرا یک ویژگی وجود دارد که آن ویژگی، نقش

مزاحم در ورود به مسیر عبادت خداوند را دارد. ویژگی که قرآن از آن به استکبار یاد می کند. یعنی کسانی

که به نوعی، ورود به این مسیر خدمت خداوند را ننگ می شمارند و خود را برتر از آن می دانند که در این

راه، گام نهند. نوعی سرپیچی آمیخته با گردنکشی و سرکشی متکبرانه. انتظار قرآن این است که انسان خود

را بزرگتر و برتر از آن نداند که وارد مسیر عبادت خداوند شود.

• لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِي وَيَسْتَكْبِرْ

فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيَّ جَمِيعًا ۱۷۲ نساء

• وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ۶۰ غافر

• وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ۱۹ انبیاء

• إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ۲۰۶ اعراف

ریشه عبد در حالت اسمی

آنچه که تا کنون گفته شد، بیشتر به کاربرد ریشه عبد در قرآن در حالت فعلی بود. بررسی ریشه عبد در

حالت اسمی نیز همان پیام را مخابره می کند؛ مبنی بر تشویق به ورود به مسیر عبادت موحدانه خداوند و

تثبیت این ویژگی در انسان تحت عناوینی مانند عبد و عابد.

• قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ ۖ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ

بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ۱۱۰ کهف

• وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فَعَلِ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عِبِيدِينَ ۷۳ انبیاء

نکته ای که در کاربرد کلمه عبد در قرآن وجود دارد این است که به نظر می رسد در نگاه قرآنی، همه انسان ها عبد خداوند اند و مسئله، عبد بودن نیست؛ بلکه، عبد شدن است. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم و چه بدانیم و چه ندانیم، کارگزار خداوند در هستی هستیم و عبد خداوندیم. همین که ما هستیم و خلق شده ایم، به خاطر اراده او بوده است که نقشی را به ما واگذار کرده است. مهم اما این است که ما آگاهانه عبد خداوند بشویم. این ماییم که باید تصمیم بگیریم که در این سمفونی خداوند، می خواهیم آگاهانه و مختارانه نقشی را به عهده بگیریم و یا اینکه ساز ناکوک این سمفونی باشیم. به همین خاطر به صورت کلی، واژه عبد لزوماً بار مثبت در معنا ندارد و شامل همه می شود:

- **إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِيَ الرَّحْمَنِ عَبْدًا** ۹۳ مریم

حتی انسان هایی که به گناه بزرگ شرک دچار شده اند و بر این حال مرده اند همچنان عباد خطاب می شوند. نمونه ای از آیاتی که نشان می دهند عبد لزوماً بار مثبت معنایی ندارد در زیر آورده شده اند:

- **وَيَوْمَ يُخْشَرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ** ۱۷ فرقان
- **إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبْدُكَ وَإِنْ تُغْفِرَ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ** ۱۱۸ مائده
- **يَحْسِرَةُ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ** ۳۰ یاسین
- **فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ** وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ ۸۵ غافر
- **قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ** ۴۸ غافر

عبد شدن اما، داستان متفاوتی دارد. تاجی است که آگاهانه بر سر نهادن آن، وصف مکرری است که از پیامبران خداوند می شود:

- **لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ ...** ۱۷۲ نساء
- **وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ ...** ۲۳ بقره
- **هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ** ۹ حدید
- **تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا** ۱ فرقان
- **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا** ۱ كهف
- **سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا ...** ۱ اسراء
- **فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ۱۰ نجم**
- **قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ءَاتَنِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا** ۳۰ مریم
- **ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا** ۲ مریم

- كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ ٩ قمر
- وَادْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ ۖ أَنِّ مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ٤١ ص
- وَادْكُرْ عَبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ ۖ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ ٤٥ ص

عبد شدن، حکایت کارگزاری است که کل برنامه روزانه اش نشانی از خداوند رحمان دارد. حکایت خادمی که رنگ مخدوم را می گیرد. حکایت آدمی که برای خدا کار می کند و آنقدر غرق است که رنگ و بوی خدایی می گیرد و چه رنگی، خوشرنگ تر از آن.

- صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً ۖ وَنَحْنُ لَهُ عَبِيدُونَ ١٣٨ بقره

عبد شدن، رفتن در حصار امن الهی است و مسیری برای بازگشت به جنت او.

- أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ ۚ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۖ ٣٦ زمر
- جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ ۖ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا ٦١ مريم
- يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٧٧﴾ أَرْجَعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ﴿٧٨﴾ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٧٩﴾ وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴿٨٠﴾ ٢٧-٣٠ فجر
- يٰعِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٢٥٨﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا ﴿٢٥٩﴾ بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٢٦٠﴾ ٦٨ و ٦٩ زخرف

۱- رابطه خداوند و عباد

به نظر می آید که چشمگیرترین نکته در رابطه بین خداوند و عباد این است که خداوند در ارتباط با بندگانش، فعال ما یشاء است. این نگاهی است که باید در جهان بینی انسان حاکم شود. بر آنکس که اراده کند وحی نازل می کند، آنکس را که اراده کند هدایت می کند، بر آنکس که اراده کند رزق را می گستراند و زمین را میراث آنکس که اراده کند قرار می دهد. هر آنچه که در زندگی عباد در جریان است در قبضه قدرت بی حصر او و منطبق با اراده اوست (آیات مربوطه در فایل پیوست آورده شده اند).

این البته به معنی سلب اراده عبد نیست. در عین حال، آزادی عملی به عبد داده شده است که می تواند گام در وادی مانند کفر بنهد که خداوند به آن راضی نیست.

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ ۚ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ٧ زمر

این آزادی اراده و انتخاب عبد، پیشاپیش، هر بهانه ای را از انسان سلب می کند:

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ ۚ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا ءَابَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ ۚ مِنْ شَيْءٍ ۚ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ٣٥ نحل

نکته جالب توجه در این حوزه، این است که بیشترین صفاتی که در رابطه با عباد به خداوند نسبت داده شده اند، صفت "بصیر" و هم خانواده های آن مانند "خبیر" است:

- ... لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرَى ... وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ **بِالْعِبَادِ** ۱۵ آل عمران
- ... فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلْغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ **بِالْعِبَادِ** ۲۰ آل عمران
- فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفَوضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ **بِالْعِبَادِ** ۴۴ غافر
- ... وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ **بِعِبَادِهِ** بَصِيرًا ۴۵ فاطر
- وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ **بِعِبَادِهِ** لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ ۳۱ فاطر
- وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ **بِعِبَادِهِ** خَبِيرٌ بَصِيرٌ ۲۷ شورا
- إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ **بِعِبَادِهِ** خَبِيرًا بَصِيرًا ۳۰ اسراء
- قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ **بِعِبَادِهِ** خَبِيرًا بَصِيرًا ۹۶ اسراء
- وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَى بِرَبِّكَ بِذُنُوبٍ **عِبَادِهِ** خَبِيرًا بَصِيرًا ۱۷ اسراء
- وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ **بِذُنُوبٍ عِبَادِهِ** خَبِيرًا ۵۸ فرقان

انگار یادآور می شود که قرار بوده تک تک ثانیه های زندگی ما در هر روز از زندگی، از لحظه بیدار شدن از خواب تا خوابیدن مجدد و بلکه در طول خواب، نمایشی از کار کردن برای خداوند و خدمت کردن او باشد. زندگی که خداوند بصیر بر آن نظارت تام دارد. خداوند بینا که در عین حال از عمق و باطن و نیت ما آگاه است و فقط بحث ظاهر اعمال نیست؛ بلکه، از عمق اعمال بندگان و نیت آنان آگاهی عمیق و خبر دقیق دارد. آیا حضور همیشگی خداوند بصیر که " **الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ** " (۱۸ و ۶۱ انعام) هم است و نیز خاصا بر ذنوب عباد، خبیر است؛ باعث نوعی ترس و نگرانی همیشگی برای انسان نمی شود؟ انسانی که خطا و اشتباه و گناه، به نوعی همزاد اوست؟ پاسخ، به نظر "خیر" است. این نگاه، بیشتر خواستار یک زندگی مسئولانه است. زندگی مسئولانه ای که مثلا سخن گفتن نیک و زیبا را از ما می طلبد که باعث ایجاد سوء تفاهم نشود. زندگی مسئولانه ای که عباد دین خود را به شنیدن ادا می کنند و پیرو نیکو ترین شنیده هایشان هستند.

- وَقُلْ **لِعِبَادِي** يَقُولُوا آلَتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا ۵۳ اسراء
- وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ **عِبَادَ** الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ ١٧ و ١٨ زمر

برای فهم بهتر نوع رابطه خداوند و بندگان، توجه به جلوه ای دیگر از صفات خداوند که در رابطه با عباد مطرح می شوند، بسیار کمک کننده است:

- نَبِيُّ عِبَادِي اَنِّي اَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۴۹ حجر
- قُلْ يَعِبَادِي الَّذِينَ اسْرَفُوا عَلَىٰ اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ اِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا اِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۵۳ زمر
- اَلَمْ يَعْلَمُوا اَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَاَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۱۰۴ توبه
- وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ۲۵ شورا
- وَمِنَ الثَّانِي مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ۲۰۷ بقره
- يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ۳۰ آل عمران
- اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ۱۹ شورا
- وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ۱۸۶ بقره
- وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۱۰۷ يونس

از پیامبرش با تاکید خواسته می شود که تصویرگر خداوند غفور رحیم باشد. خداوند رحیمی که نا امیدی را گردن زده است. خداوند توابی که بازگشت بندگان را می پذیرد و گناهانشان را می آمرزد. خداوندی که از زشتی ها می گذرد. خداوند نزدیکی که پاسخگوی دعای دعا کنندگان است. خداوندی که به نسبت بندگان رثوف است. خداوندی که به نسبت بندگان لطیف است.

این نکته ای است که پاره ای از عباد خداوند به نیکی درک کرده اند و از این دروازه وارد شده اند:

- اِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا اَمَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَاَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ۱۰۹ مومنون
- آیا تعامل اینچنین خداوند، با عباد ولو خطاکارش، پیامی برای خلیفه خداوند ندارد؟ آیا کارگزاران خداوند در زمین، نباید چشمه های مهر و رافت و آمرزش و گذشت و لطف برای همگان باشند؟ بندگان با مشی آرام و اهل پاسخ های نرم و ملایم در مواجهه با نادانی هایی که با آنان روبرو می شوند.

- وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْسُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ۶۳ فرقان

این حضور خداوند بصیرِ خبیرِ رحیمِ غفورِ رئوفِ لطیف در زندگی عباد، طبیعتاً باعث محرومیت انسان از بهره های زندگی دنیا نیست:

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۗ كَذَلِكَ نَفْصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۚ ۳۲ اعراف

اگر هنوز در گوشه ذهنتان درباره خداوندی که نسبت به بندگانش فعال ما یشاء، بصیر و خبیر است و در عین حال قاهرِ فوقِ عباد است چیزی در دل دارید، آیات زیر به نوعی اتمام حجت می کند:

- ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ۚ ۱۸۲ آل عمران
- ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ۚ ۵۱ انفال
- ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ۚ ۱۰ حج
- مَن عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَن أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۚ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ۚ ۴۶ فصلات
- مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلَ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ۚ ۲۹ احقاف
- مِثْلَ ذَٰلِكَ قَوْمٌ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ ۚ وَالَّذِينَ مِنۢ بَعْدِهِمْ ۚ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ ۚ ۳۱ غافر

آنچه که در زندگی با آن مواجه می شوید، بیشتر دستاوردِ خودتان است و مهم این است با تاکید، یقین بدانید که خداوند در رابطه با بندگان، کوچکترین ظلمی روا نمی دارد.

۲- کدام عباد؟

اگرچه خداوند نسبت به عباد، رئوف و لطیف است؛ اما قرآن نظر ویژه ای به بندگان خاص دارد و توصیفات ویژه ای را برای آن ها بکار می برد. پیامبران، بندگان اهل بازگشت، بندگان صالح نیک کردار، بندگان توانمند، بندگان عالم و آگاه، بندگان شکور، بندگان اهل تقوا، نمونه هایی از بندگان تحسین شده قرآن اند.

- تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَن كَانَ تَقِيًّا ۚ ۶۳ مریم
- فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا ءَاتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِثْلَ مَا عَلَّمْنَا ۚ ۶۵ کهف
- وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ ۚ وَأَلَا نَعْلَمُ مُخْتَلَفٌ أَلْوَنُهُ ۚ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ۚ ۲۸ فاطر
- وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنۢ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ۚ ۱۰۵ انبیاء
- قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ ۚ الَّذِينَ اصْطَفَى ۚ ءَلِلَّهِ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ ۚ ۵۹ نمل
- اَعْمَلُوا ءَالَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ ۚ ۱۳ سبأ
- وَادَّكُرَ عِبْدَنَا ۚ اِبْرَاهِيمَ ۚ وَاسْحَاقَ ۚ وَيَعْقُوبَ ۚ اُولٰٓئِكَ اُولَى الْاَيْدِي ۚ وَالْاَبْصَرِ ۚ ۴۵ ص

با نگاه دقیق تر می توان ۲ گروه توصیف شده عباد را از نظر تکرار، برجسته تر دید:

الف - عباد مخلص

به نظر می رسد این وصف مخلص بیشتر ناظر به آن حالت انحصاری عبادت خداوند است که قبلا در موردش صحبت کردیم. زندگی دنیوی آدمی چه بخواهیم و چه نخواهیم در عالم واقع، قرین بدی ها، زشتی ها، گمراهی ها و پیامدهای سوء اعمال خود ما است. یک طیف که تا حد زیادی (حتی از نظر شیطان که متخصص گمراه کردن است) از این بدی ها مصون می مانند، عباد مخلص خداوند هستند.

- قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٢﴾ إِلَّا **عِبَادَكَ** مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ ﴿٨٣﴾ ۸۲ و ۸۳ ص
- قَالَ رَبِّ بِمَا أَغَوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغَوِّيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٣٩﴾ إِلَّا **عِبَادَكَ** مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ ﴿٤٠﴾ ۳۹ و ۴۰ حجر
- إِنَّكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٩﴾ إِلَّا **عِبَادَ اللَّهِ** الْمُخْلِصِينَ ﴿٤٠﴾ ۳۸ تا ۴۰ صافات
- وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿٧٢﴾ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذِرِينَ ﴿٧٣﴾ إِلَّا **عِبَادَ اللَّهِ** الْمُخْلِصِينَ ﴿٧٤﴾ ۷۲ تا ۷۴ صافات
- اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٢٦﴾ فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٢٧﴾ إِلَّا **عِبَادَ اللَّهِ** الْمُخْلِصِينَ ﴿١٢٨﴾ ۱۲۶-۱۲۸ صافات
- سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا **عِبَادَ اللَّهِ** الْمُخْلِصِينَ ﴿١٦٠﴾ ۱۵۹ و ۱۶۰ صافات
- وَلَقَدْ هَمَّتْ يَهُوَّ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَّءَا بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ **عِبَادِنَا** الْمُخْلِصِينَ ۲۴ يوسف

- وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦٨﴾ لَكُنَّا **عِبَادَ اللَّهِ** الْمُخْلِصِينَ ﴿١٦٩﴾ ۱۶۷ تا ۱۶۹ صافات

ب - عباد اهل ایمان

گفتیم که خداوند پیامبران را به نوعی بندگان خاص خود معرفی می کند. ویژگی که به طور خاص آن را در این عباد ویژه برجسته می کند، ایمان است:

- سَلَّمَ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعِلْمِينَ ﴿٧٩﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّهُ مِنْ **عِبَادِنَا** الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨١﴾ ۷۹ تا ۸۱ صافات
 - سَلَّمَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿١١٩﴾ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّهُ مِنْ **عِبَادِنَا** الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢١﴾ ۱۰۹ تا ۱۱۱ صافات
 - سَلَّمَ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢١﴾ إِنَّهُمَا مِنْ **عِبَادِنَا** الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٢﴾ ۱۲۰ تا ۱۲۲ صافات
 - سَلَّمَ عَلَىٰ إِلَٰهَ يَاسِينَ ﴿١٣٠﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣١﴾ إِنَّهُ مِنْ **عِبَادِنَا** الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾ ۱۳۰ تا ۱۳۲ صافات
 - وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ **عِبَادِهِ** الْمُؤْمِنِينَ ۱۵ نمل
- به نظر می آید که خداوند خطاب خاصی با بندگان اهل ایمان خود دارد و می خواهد پیام های ویژه ای به آن ها مخابره کند. خوشا به حال مخاطبان خاص خداوند و بشارت ها بر آنان باد:

- **يَعْبَادِي الَّذِينَ ءَامَنُوا** إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِنِّي **فَاعْبُدُونِ** ۵۶ عنكبوت
- قُلْ **يَعْبَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ** ۱۰ زمر

- قُلْ لِّعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ ... ۳۱ ابراهيم
- ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... ۲۳ شورا

نکته پایانی

نکته پایانی که دوست دارم به آن اشاره کنم این است که تعدادی از آیات این حوزه، به نحوه دلگرم کننده ای می توانند به عنوان شاهی برای کارایی روش معرفی شده در این سلسله نوشتار مورد استناد قرار گیرند. در این روش، ما به واسطه شمارش افعال امر و نهی صریح قرآن نتیجه گرفته ایم که عبادت موحدانه خداوند، یکی از اساسی ترین و اصلی ترین خواسته های قرآن از مخاطبانش است. این چیزی است که به صراحت در آیاتی از قرآن با کلید واژه امر و نهی به عنوان رسالت پیامبر به آن اشاره شده است:

- ... قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَآبِ ۳۶ رعد
- إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۹۱ نمل
- قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ۱۱ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ۱۲ و زمر
- قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِيَ الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۶۶ غافر
- قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذَا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ۵۶ انعام

و البته این امر منحصر به پیامبر اسلام نبوده و دیگر پیامبران هم بر این منهج بوده اند:

- وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ خُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ۵ بینه
- إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۴۰ يوسف
- اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَنَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۳۱ توبه
- مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۱۱۷ مائده